

جهادِ امیرالمؤمنین علیه السلام

قسمت پنجم؛ سحر چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت ۹۹

سوره توبه_ آیه ۲۰

الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللّٰهِ وَ
أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ

کسانی که ایمان آورده و هجرت نموده و با مال و جانشان در راه خدا جهاد کرده‌اند، نزد خدا از همه بلندمرتبه‌ترند و اینانند که نیکبخت خواهند بود

سوره آل عمران _ آیه ۱۵۳

إِذْ تَصْعَدُونَ وَ لَا تَلُؤُونَ عَلٰی أَحَدٍ وَ الرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أَخْرَاكُم فَاثَابَكُمْ غَمًّا بِغَمِّ لِكَيْلَا تَحْزَنُوا
عَلٰی مَا فَاتَكُمْ وَ لَا مَا أَصَابَكُمْ وَ اللّٰهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

یاد کنید هنگامی را که از صحنه پیکار دور می‌شدید و به هیچ‌کس توجه نمی‌کردید و آنچنان دور شدید که پیامبر پشت سر آخرین نفرات شما، شما را به بازگشت فرامی‌خواند ولی اعتنایی نمی‌کردید. پس از آن خداوند غم از دست دادن یاری خدا را به جای غم از دست دادن غنایم و تحمل گزندها، به شما عطا کرد تا بر آنچه از دست شما رفته و گزندهایی که به شما رسیده بود اندوه مخورید، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ أَظْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

ای مؤمنان! زمانی که می‌خواهید با پیامبر گفتگوی محرمانه کنید، پیش از گفتگوی محرمانه خود صدقه دهید، این برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است، و اگر چیزی برای صدقه نیافتید [اجازه دارید محرمانه گفتگو کنید] زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است

آیا ترسیدید از این که پیش از نجوای خود با رسول خدا صدقاتی پیشکش کنید؟ اکنون که چنین نکردید و خدا هم این گناه را بر شما بخشود و آن تکلیف را از شما برداشت، بر دیگر تکالیف خود پایدار باشید، نماز را برپا دارید و زکات مال خویش بپردازید و خدا و پیامبرش را فرمان برید که خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.

✓ پرچم دار جوان اسلام

عن ابن عباس: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله دَفَعَ الرَّايَةَ إِلَى عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَوْمَ بَدْرٍ وَهُوَ ابْنُ عَشْرِينَ سَنَةً

المستدرک علی الصحیحین: ج ۳ ص ۱۲۰ ح ۴۵۸۳

رسول خدا پرچم سپاه اسلام را در جنگ بدر به امیرمؤمنان سپرد در حالیکه جوانی بیست ساله (حدود ۲۵) بود.

سقای بدر

عن الحارث عن الإمام عليّ عليه السلام: لَمَّا كَانَتْ لَيْلَةُ بَدْرِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ يَسْتَقِي لَنَا مِنَ الْمَاءِ؟ فَأَحْجَمَ النَّاسُ، فَقَامَ عَلِيٌّ فَاحْتَضَنَ قَرْبَةً، ثُمَّ أَتَى بِرَأٍ بَعِيدَةً الْقَعْرِ مُظْلِمَةً، فَانْحَدَرَ فِيهَا فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى جَبْرِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ تَأَهَّبُوا لِنَصْرِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَحِزْبِهِ، فَهَبَطُوا مِنَ السَّمَاءِ لَهُمْ لَغَطٌ يُدْعَرُ مَنْ سَمِعَهُ، فَلَمَّا حَاذُوا الْبَيْتَ سَلَّمُوا عَلَيْهِ مِنْ عِنْدِ آخِرِهِمْ إِكْرَامًا وَتَجْلِيلًا.

فضائل الصحابة لابن حنبل: ج ۲ ص ۶۱۳ ح ۱۰۴۹

در شبی که جنگ بدر رخ داد، رسولخدا فرمود: چه کسی برایمان آب می آورد؟! در حالیکه همه پا پس کشیده بودند؛ امیرمومنان مشک آب را برداشت و در تاریکی شب به راه افتاد تا به چاهی عمیق رسید و برای آب کشیدن پایین رفت. در این هنگام خداوند به ملائکه فرمود: آماده کمک رسانی به محمد و یارانش شوید. پس ملائکه از آسمان هبوط کردند و چون به چاه رسیدند همه آنها به امیرمومنان علیه السلام درود و سلام فرستادند و او را تکریم و تجلیل نمودند.

✓ اسیر نگرفت

كَانَ الْقَتْلَى بِبَدْرِ سَبْعِينَ، وَالْأَسْرَى سَبْعِينَ، قَتَلَ مِنْهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَبْعَةً وَعِشْرِينَ، وَلَمْ يُؤْسِرْ أَحَدًا.

تفسیر القمی: ج ۱ ص ۲۶۹

آمار کشته شدگان جنگ بدر هفتاد نفر و تعداد اسرا نیز هفتاد نفر بود. امیرمومنان به تنهایی ۲۷ نفر را کشتند و احدی را اسیر نگرفتند.

✓ هیچگاه دو ضربه نزد

و فی الحدیث: کانت ضرباته وترا

شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ج ۱، ص: ۲۰

ضریات شمشیر امیرمومنان در جنگها، تک ضرب بود (یعنی با یک ضربه کار حریف را یکسره میکرد و احتیاجی به ضربه دوم و سوم نبود).

✓ رجز امیرالمومنین در بدر

أمیر المؤمنین [علی] رضی الله عنه - قال سعد بن أبي وقاص: رأيتَه يوم بدر وهو يقول:

سَنَحْنَحُ اللَّيْلَ كَأَنِّي جِي

ما تَنْقِمُ الحَرْبُ العَوَانُ مِي

بَازِلُ عَامِنٍ حَدِيثُ سَيِّ

لمثل هذا وَلَدْتُني أَمِي

الفائق، ج ۱، ص: ۹۵

بنقل از سعد بن ابی وقاص رجز امیرمومنان در جنگ بدر :

من به سان شتر دو ساله هستم که تازه دندان درآورده است (کنایه از نشاط جوانی) و مادرم مرا برای چنین کارزاری به دنیا آورده است. جنگ سخت نتواند بر من چیره شود

✓ مرگ سرخ

المناقب لابن شهر آشوب في علي عليه السلام: إِنَّ الكُفَّارَ كانوا يُسمَوْنَهُ **الموت الأحمر**؛
سَمَّوْهُ يَوْمَ بَدْرٍ لِعِظَمِ بَلَائِهِ وَنِكايَتِهِ

المناقب لابن شهر آشوب: ج ۲ ص ۶۸

در جنگ بدر، از شدت حملات و رزم آوری های امیرمومنان، لقب مرگ سرخ به ایشان دادند.

✓ نابودی تمام پرچم داران

الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: كَانَ أَصْحَابُ اللَّوَاءِ يَوْمَ أَحُدٍ تِسْعَةً، قَتَلَهُمْ عَلِيُّ عَن آخِرِهِمْ.

الإرشاد: ج ۱ ص ۸۸ عن أبي عبيدة.

امام صادق علیه السلام فرمودند: پرچم داران سپاه دشمن در جنگ احد، نه نفر بودند که همه را امیرمومنان به قتل رساند.

✓ اهمیت استراتژیک پرچم

فَجَاءَ أَبُو سُفْيَانَ إِلَى أَصْحَابِ اللَّوَاءِ فَقَالَ يَا أَصْحَابَ الْأَلْوِيَةِ إِنَّكُمْ قَدْ تَعْلَمُونَ أَنَّ مَا يُؤْتَى الْقَوْمَ مِنْ قِبَلِ أَلْوِيَتِهِمْ وَ إِنَّمَا أُتِيْتُمْ يَوْمَ بَدْرٍ مِنْ قِبَلِ أَلْوِيَتِكُمْ فَإِنْ كُنْتُمْ تَرَوْنَ أَنَّكُمْ قَدْ ضَعَفْتُمْ عَنْهَا فَادْفَعُوهَا إِلَيْنَا نَكْفِكُمْوَهَا. قَالَ فَعَضِبَ طَلْحَةُ بْنُ أَبِي طَلْحَةَ وَ قَالَ أَلْنَا تَقُولُ هَذَا وَ اللَّهُ لَأُورِدَنَّكُمْ بِهَا الْيَوْمَ حِيَاضَ الْمَوْتِ قَالَ وَ كَانَ طَلْحَةُ يُسَمَّى كَبْشَ الْكُتَيْبَةِ.

الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج ۱، ص: ۸۱

ابوسفیان در جنگ احد به نزد پرچم داران (بنی مخزوم) رفت و بدانها گفت: شما میدانید که هرچه به سرتان آید بواسطه پرچم است، و در جنگ بدر نیز به همین خاطر شکست خوردید. اکنون اگر تاب نگهداری آن را ندارید پس پرچم ها را به ما بسپارید. طلحه ابی طلحه از این سخن برآشفت و بدو گفت: به ما چنین حرفی میزنی؟! بخدا قسم تا آخرین قطره خون از آنها حمایت میکنیم. این طلحه کسی بود که او را کبش الکتیبه (یعنی مهتر و بزرگ فرمانده لشکر) می نامیدند.

✓ تعبیر شیخ مفید

وكان **الفتح له** في هذه الغزاة كما كان له بدر...

الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج ١، ص: ٧٨

در این جنگ (احد) نیز همانند جنگ بدر، فتح و پیروزی سهم او (امیرمومنان علیه السلام) شد...

✓ كفى الله المومنين القتال

وَقَدْ رَوَى يُونُسُ بْنُ كَلَيْبٍ عَنْ سُفْيَانَ عَنْ زُبَيْدٍ عَنْ مَرَّةَ وَغَيْرِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ:
أَنَّهُ كَانَ يَقْرَأُ **وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ بَعْلِي** وَكَانَ اللَّهُ قُوِيًّا عَزِيْزًا

الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج ١، ص: ١٠٦

الإرشاد عن الزهري: لَمَّا عَرَفَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حُضُورَ نَوْفَلِ بْنِ خُوَيْلِدِ بَدْرًا
قَالَ: **اللَّهُمَّ اكْفِنِي نَوْفَلًا**، فَلَمَّا انْكَشَفَتْ قُرَيْشٌ رَأَاهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... فَقَتَلَهُ.
فَلَمَّا عَادَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَمِعَهُ يَقُولُ: مَنْ لَهُ عِلْمٌ بِنَوْفَلٍ؟ فَقَالَ لَهُ: أَنَا قَتَلْتُهُ
يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَكَبَّرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَجَابَ دَعْوَتِي فِيهِ.

چون رسول خدا صلى الله عليه وآله در بدر، از حضور نوفل بن خويلد آگاه شدند
فرمودند: بار خدايا مرا از نوفل بن خويلد آسوده ساز ... پس اميرمومنان عليه السلام
كارش را يكسره ساخت و چون رسول خدا با خبر شدند، تكبير گفته و فرمودند: سپاس
خداوندی را كه خواسته ی مرا درباره نوفل پاسخ داد. (وخیال مرا آسوده كرد)

الإرشاد: ج ١ ص ٧٦، كشف الغمّة: ج ١ ص ١٨٧ وراجع المغازي: ج ١ ص ٩١ و ٩٢
ودلائل النبوة للبيهقي: ج ٣ ص ٩٤ و شرح نهج البلاغة: ج ١٤ ص ١٤٣ و ١٤٤.

قَدْ أَثْبَتَ رِوَاةَ الْعَامَّةِ وَالْخَاصَّةِ مَعَ أَسْمَاءِ الَّذِينَ تَوَلَّى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَتْلَهُمْ
بِبَدْرِ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، عَلَى اتِّفَاقٍ فِيمَا تَقْلُوهُ مِنْ ذَلِكَ وَاصْطِلَاحٍ، فَكَانَ مِمَّنْ سَمَّوْهُ: ...

وَنَوْفَلُ بْنُ خُوَيْلِدٍ؛ وَكَانَ مِنْ أَشَدِّ الْمُشْرِكِينَ عَدَاوَةً لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَكَانَتْ قُرَيْشٌ تُقَدِّمُهُ وَتُعَظِّمُهُ وَتُطِيعُهُ، وَهُوَ الَّذِي قَرَنَ أبا بَكْرٍ بِطَلْحَةَ قَبْلَ الْهِجْرَةِ بِمَكَّةَ وَوَثَّقَهُمَا بِحَبْلِ وَعَدَّ بِهِمَا يَوْمًا إِلَى اللَّيْلِ حَتَّى سُئِلَ فِي أَمْرِهِمَا. وَلَمَّا عَرَفَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حُضُورَهُ بَدْرًا سَأَلَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يَكْفِيَهُ أَمْرَهُ، فَقَالَ: «اللَّهُمَّ اكْفِنِي نَوْفَلَ بْنَ خُوَيْلِدٍ»، فَقَتَلَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

راویان سنی و شیعه، بی آنکه اختلافی داشته باشند؛ نام کسانی را که امیرمومنان به تنهایی آنان را به درک واصل کرده، ثبت کرده اند و از جمله آنان ... نوفل بن خویلد است. او سخت ترین دشمن رسولخدا در میان مشرکین بود. قریش او را مقدم و بزرگ می داشتند و از وی پیروی میکردند. او کسی است که ابوبکر و طلحه را (به جرم مسلمان شدن) در مکه به ریسمان بست و یک شبانه روز آنان را شکنجه کرد. همینکه رسولخدا از حضور او در جنگ بدر آگاه شدند از خداوند خواستند تا شرش را کم کند و فرمود: بار خدایا مرا از نوفل بن خویلد آسوده ساز و کفایت فرما. پس امیرمومنان علیه السلام او را کشت.

الإرشاد: ج ۱ ص ۷۰ وراجع المغازي: ج ۱ ص ۱۵۲۱۴۷ والسيرة النبوية لابن هشام: ج ۲ ص ۳۶۵ والفصول المهمة: ص ۵۲

...وَوَثَبَتِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَبُو دُجَانَةَ الْأَنْصَارِيُّ وَسَهْلُ بْنُ حُنَيْفٍ لِلْقَوْمِ يَدْفَعُونَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَثُرَ عَلَيْهِمُ الْمُشْرِكُونَ، فَفَتَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَيْنَيْهِ وَنَظَرَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... فَقَالَ: يَا عَلِيُّ! مَا فَعَلَ النَّاسُ؟ فَقَالَ: نَقَضُوا الْعَهْدَ وَوَلَّوْا الدُّبْرَ، فَقَالَ لَهُ: فَكَفِنِي هَؤُلَاءِ الَّذِينَ قَدْ قَصَدُوا قَصْدِي، فَحَمَلَ عَلَيْهِمُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَكَشَفَهُمْ...

الإرشاد: ج ۱ ص ۸۰، كشف الغمة: ج ۱ ص ۱۹۲ وراجع تفسير القمي: ج ۱ ص ۱۱۲. تنها امیرمومنان علیه السلام، ابودجانة انصاری و سهل بن حنیف مانندند که از رسولخدا دفاع می کردند. مشرکین نیز بر این سه تن سخت تنگ گرفتند. رسولخدا پس از آنکه به

هوش آمدند، چشمان مبارکشان را باز کرده، نگاهی به علی انداخته و فرمودند: علی جان مردم چه کردند؟ عرض کرد: پیمان شکستند و فرار کردند. رسول خدا فرمود: پس ازین دشمنان که مرا هدف قرار دادند آسوده و راحت ساز. امیرمومنان حمله کرد و آنان را از پیش روی رسول خدا پراکنده ساخت ...

عن الإمام الصادق عليه السلام: انْهَزَمَ النَّاسُ يَوْمَ اُحُدٍ عَنِ رَسولِ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَغَضِبَ غَضَبًا شَدِيدًا، قَالَ: وَكَانَ إِذَا غَضِبَ انْحَدَرَ عَنِ جَبِينِهِ مِثْلُ اللُّؤْلُؤِ مِنَ العَرَقِ، قَالَ: فَتَنَظَرَ فَإِذَا عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى جَنْبِهِ، فَقَالَ لَهُ: الْحَقُّ بِبَنِي أَبِيكَ مَعَ مَنْ انْهَزَمَ عَنِ رَسولِ اللّهِ، فَقَالَ: يَا رَسولَ اللّهِ، لِي بِكَ اسْوَةٌ، قَالَ: فَكَفِنِي هُوَلاءِ، فَحَمَلَ فَضْرَبَ أَوَّلَ مَنْ لَقِيَ مِنْهُمْ فَقَالَ جَبْرئيلُ ع إِنَّ هَذِهِ لَهِيَ المُوَاسَاةُ يَا مُحَمَّدُ فَقَالَ إِنَّهُ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ فَقَالَ جَبْرئيلُ ع وَ أَنَا مِنْكُمْ يَا مُحَمَّدُ

الکافی: ج ۸ ص ۱۱۰ ح ۹۰

امام صادق علیه السلام فرمود: در جنگ احد مردم از دور رسول خدا گریختند، و حضرت بسختی خشمگین شدند، (و چنان بود که هر گاه خشم میکرد عرقی مانند دانه‌های مروارید از پیشانی مبارکش سرازیر میگشت) پس نگریست و علی علیه السلام را در کنار خویش مشاهده کرد، بدو فرمود: تو هم بدانان که از رسول خدا گریختند ملحق شو! عرض کرد: ای رسول خدا من پیرو توام، فرمود: پس این دشمنان را از من دور گردان، علی علیه السلام حمله برد و بنخستین کسی که رسید او را (با شمشیر) بزد. جبرئیل عرض کرد: ای محمد براستی این مواسات (همدردی و برادری) است: رسول خدا فرمود: همانا او از من است و من از اویم، جبرئیل گفت: و من نیز از شما هستم.

وَ رَوَى الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ قَالَ حَدَّثَنَا جَمِيلُ بْنُ صَالِحٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ:

... لَمَّا انْهَزَمَ النَّاسُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي يَوْمِ الْحُدِّ، وَتَبَّتْ أُمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَهُ: مَا لَكَ لَا تَذْهَبُ مَعَ الْقَوْمِ، فَقَالَ أُمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَذْهَبُ وَ أَدْعُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟! **وَاللَّهِ لَأَبْرَحْتُ حَتَّى أَقْتَلَ أَوْ يُنَجِّزَ اللَّهُ لَكَ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ**، فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَبَشِّرْ يَا عَلِيُّ! فَإِنَّ اللَّهَ مُنَجِّزٌ وَعَدَهُ، وَلَنْ يَنَالُوا مِنَّا مِثْلَهَا أَبَدًا. ثُمَّ نَظَرَ إِلَى كَتِيبَةٍ قَدْ أَقْبَلَتْ إِلَيْهِ، فَقَالَ لَهُ: **لَوْ حَمَلْتَ عَلِيَّ هَذِهِ يَا عَلِيُّ**، فَحَمَلَ أُمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَتَلَ مِنْهَا هِشَامَ بْنَ أُمَيَّةَ الْمَخْزُومِيَّ وَانْهَزَمَ الْقَوْمُ. ثُمَّ أَقْبَلَتْ كَتِيبَةٌ أُخْرَى، فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: **احْمِلْ عَلِيَّ هَذِهِ**، فَحَمَلَ عَلَيْهَا فَقَتَلَ مِنْهَا عَمْرَو بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْجَمْعِيَّ، وَانْهَزَمَتْ أَيْضًا. ثُمَّ أَقْبَلَتْ كَتِيبَةٌ أُخْرَى، فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: **احْمِلْ عَلِيَّ هَذِهِ**، فَحَمَلَ عَلَيْهَا فَقَتَلَ مِنْهَا بَشَرَ بْنَ مَالِكِ الْعَامِرِيَّ وَانْهَزَمَتْ الْكَتِيبَةُ، فَلَمْ يَعُْدْ بَعْدَهَا أَحَدٌ مِنْهُمْ. وَتَرَاجَعَ الْمُنْهَزِمُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

الإرشاد: ج ١ ص ٨٩ وراجع إعلام الوری: ج ١ ص ٣٧٨ وشرح الأخبار: ج ١ ص ٢٨٦ ح ٢٨٠ ودعائم الإسلام: ج ١ ص ٣٧٤ والمناقب للکوفي: ج ١ ص ٤٦٦ ح ٣٦٩ و ص ٤٧٧ ح ٣٨٢ و ص ٤٨٥ ح ٣٩٢

امام صادق عليه السلام فرمودند: چون مردم از اطراف رسول خدا گریختند و تنها علی علیه السلام پا برجا ماند، رسول خدا به او فرمود: تو چرا نرفتی؟ امیرمومنان عرض کرد: بروم و شما را تنها واگذارم؟! به خدا نمی روم تا اینکه یا کشته شوم یا وعده ای که خداوند در یاری ات فرموده برساند! رسول خدا فرمودند: علی جان مژده ات دهم که خداوند به وعده اش وفا فرمود و دست اینان پس از امروز به ما نخواهد رسید. سپس چشمش به گروهی از از لشگر دشمن افتاد که به سوی او آیند، فرمود: علی جان! ای کاش به اینها حمله کنی. پس امیرمومنان به آنها حمله ور شد، یک نفر از آنان به نام هشام بن امیه مخزومی را کشت و دیگران گریختند. پس گروه دیگری از لشگریان دشمن به سوی رسول خدا رو آوردند، باز رسول خدا فرمود: به آنها حمله کن. امیرمومنان حمله کرد و عمرو بن عبدالله جمحی را کشت و دیگران فرار کردند. باز دسته دیگری پیش آمدند و این بار

نیز رسول خدا دستور حمله داد و امیرمومنان یکی از آنان بنام بشیر بن مالک را هلاک کرد و دیگران هزیمت کردند. پس از آن بود که دیگر کسی به سوی رسول خدا حمله ور نشد و مسلمانانی که گریخته بودند بازگشتند.

✓ رسوایی قهرمانان قریش

وَرَوَى الْحَكَمُ بْنُ ظُهَيْرٍ عَنِ السُّدِّيِّ عَنْ أَبِي مَالِكٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ: أَنَّ طَلْحَةَ بْنَ أَبِي طَلْحَةَ حَرَجَ يَوْمَئِذٍ فَوَقَفَ بَيْنَ الصَّفِّينِ فَنَادَى يَا أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ إِنَّكُمْ تَزْعُمُونَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعَجِّلُنَا بِسُيُوفِكُمْ إِلَى النَّارِ وَ يُعَجِّلُكُمْ بِسُيُوفِنَا إِلَى الْجَنَّةِ فَأَيُّكُمْ يَبْرُرُ إِلَيَّ فَبَرَّرَ إِلَيْهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ وَاللَّهِ لَا أَفَارِقُكَ الْيَوْمَ حَتَّى أُعَجِّلَكَ بِسَيْفِي إِلَى النَّارِ فَاخْتَلَفَا صَرِيحَيْنِ فَصَرَّيْتَهُ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَى رَجُلَيْهِ فَقَطَعَهُمَا وَ سَقَطَ **فَأُنْكَشَفَ عَنْهُ** **فَقَالَ أَنْشُدْكَ اللَّهُ يَا ابْنَ عَمٍّ وَ الرَّحِمَ** فَأَنْصَرَفَ عَنْهُ إِلَى مَوْقِفِهِ فَقَالَ لَهُ الْمُسْلِمُونَ أَلَا أَجْهَرْتُ عَلَيْهِ؟ فَقَالَ نَاشِدَنِي اللَّهُ وَ الرَّحِمَ وَ وَاللَّهِ لَا عَاشَ بَعْدَهَا أَبَدًا فَمَاتَ طَلْحَةَ فِي مَكَانِهِ وَ بُشِّرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ فَسُرَّ بِهِ وَ قَالَ هَذَا كَبْشُ الْكُتَيْبَةِ

الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج ١، ص: ٨٥

طلحه بن ابی طلحه (پرچم دار مشرکین) به میدان آمد و این چنین رجز خوانی کرد: ای یاران محمد! شما خیال میکنید که خدا با شمشیرهای شما ما را با شتاب به دوزخ فرستد، و شما را با شمشیرهای ما به بهشت روانه سازد. پس کدام یک از شما داوطلب جنگ با من است؟ یا من او را روانه بهشت سازم و یا او مرا به دوزخ فرستد؟ پس علی بن ابی طالب برخاست و فرمود: تا تو را به دوزخ نفرستم رهایت نمی کنم. پس دو ضریب میان آنها رد و بدل شد و علی علیه السلام با شمشیر دوپایش را قطع کرد و شرمگاهش هویدا شد. پس به علی گفت: تو را به خدا و به خویشاوندی سوگند دهم (که دست از من برداری و بیش از این مرا رسوا نکنی). امیرمومنان علیه السلام روی از او برگردانید و بازگشت. مسلمانان پرسیدند: چرا کارش را تمام نکردی؟ حضرت فرمود: مرا به خدا و

خویشاوندی سوگند داد ، هرچند زنده نخواهد ماند. پس طلحه در همانجا که افتاده بود مرد و چون مژده مرگش را به رسول خدا دادند، آنحضرت خرسند شده و فرمودند: او مهتر لشکرشان بود .

✓ پرچم به زمین افتاد

كُسِرَتْ رِزْدٌ عَلَيَّ يَوْمَ الْحُدِّ فِي يَدِهِ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَسَقَطَ اللَّوَاءُ مِنْ يَدِهِ فَتَحَامَاهُ الْمُسْلِمُونَ أَنْ يَأْخُذُوهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: **فَضَعُوهُ فِي يَدِهِ الشَّمَالِ، فَإِنَّهُ صَاحِبُ لِرِوَائِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.**

المعجم الكبير: ج ١ ص ٣١٨ ح ٩٤١، فضائل الصحابة لابن حنبل: ج ٢ ص ٦٥٧ ح ١١١٩

دست راست امیرمومنان در جنگ احد شکست و پرچم از دستشان زمین افتاد. مسلمانان از برداشتن پرچم خودداری کردند. پس رسول خدا فرمودند: پرچم را به دست چپش دهید چرا که او پرچم دار من در دنیا و آخرت است.

✓ در آرزوی شهادت

إِنَّهُ انْصَرَفَ مِنْ أُحُدٍ وَ بِهِ ثَمَانُونَ جِرَاحَةً يَدْخُلُ الْقَتَائِلُ مِنْ مَوْضِعٍ وَ يَخْرُجُ مِنْ مَوْضِعٍ فَدَخَلَ عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ص عَائِداً وَ هُوَ مِثْلُ الْمُضْغَةِ عَلَى نَظْعٍ فَلَمَّا رَأَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص بَكَى فَقَالَ لَهُ إِنَّ رَجُلًا يُصِيبُهُ هَذَا فِي اللَّهِ لِحَقِّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ بِهِ وَ يَفْعَلَ فَقَالَ مُجِيباً لَهُ وَ بَكَى بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَرِنِي وَ لَوَيْتُ عَنْكَ وَ لَا فَرَزْتُ بِأَبِي وَ أُمِّي كَيْفَ حُرِمْتُ الشَّهَادَةَ قَالَ إِنَّهَا مِنْ وَرَائِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ

فضائل ابن دأب در الاختصاص ص ١٥٨

امیرمومنان در حالی از احد بازگشت که هشتاد زخم بر بردن داشت. از شدت زخم ها و جراحات، فتیله ها (پنبه تابیده پانسماں) از یک زخم به زخم دیگر رسیده و مثل یک تکه

گوشت شده بود. در این حال رسولخدا برای عیادت امیرمومنان آمدند و چون حال او را دیدند گریه کرده و فرمودند: کسی که در راه خدا این چنین مصیبت ببیند خداوند اجر و کرامت عظیم به او عطا خواهد کرد. امیرمومنان با گریه در پاسخ رسولخدا فرمودند: سپاس خدایی را که مرا در حال فرار و عقب نشینی مشاهده نکرد و دست از شما برنداشتم. پدر و مادرم فدایتان! چرا از شهادت محروم شدم؟! رسولخدا فرمودند: شهادت پیش روی توست ان شاءالله.

عَنْهُ الْحَسَنَةُ الْفَالِقِيَّةُ
قَسَمَ الشُّؤُونَ الدَّيْنِيَّةُ
شَعْبَةُ الْحَوْزِ وَاللَّاسِبَةُ

أَسَانِيدُ

فَضَائِلُ أُمِيرِ الْيَوْمِ مِنْ عَلِيٍّ

حَسَبَ قَوَاعِدِ الْجُرْحِ وَالتَّعْدِيلِ عِنْدَ أَهْلِ السُّنَّةِ

الشَّيْخُ بَاتِمُ الْحَلِي

الجزء الثاني

الإمامة العابد
المقدسة

عِيتِبَ الْحَسَنِيُّ الْقَائِمُ

شعبة المحوث والدراسات

جميع حقوق الطبع والنشر محفوظة للشعبة
العراق - كربلاء المقدسة

هُوَ تِلْكَ الْكِتَابُ

اسم الكتاب: أسانيد فضائل امير المؤمنين علي عليه السلام
المؤلف: الشيخ باسم الرحلي
الناشر: شعبة البحوث والدراسات / قسم الشؤون الدينية
عدد النسخ: ١٠٠٠ نسخة
المطبعة: دار الكفيل للطباعة والنشر
سنة الطبع: ١٤٣٨ هـ - ٢٠١٧ م
الاخراج الفني: الشيخ علي جبار

الدليل الأول

آية النجوى لم يعمل بها إلا علي عليه السلام في العالمين .

الطريق الأول: ابن أبي ليلى عن علي عليه السلام

قال الحاكم: أخبرني عبد الله بن محمد الصيدلاني: حدثنا محمد بن أيوب، أنبأنا يحيى بن المغيرة السعدي، حدثنا جرير، عن منصور، عن مجاهد، عن عبد الرحمن بن أبي ليلى، قال: قال علي بن أبي طالب رضي الله عنه: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «إِنَّ فِي كِتَابِ اللَّهِ لآيَةً مَا عَمِلَ بِهَا أَحَدٌ، وَلَا يَعْمَلُ بِهَا أَحَدٌ بَعْدِي؛ آيَةُ النَّجْوَى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^(١).

قال: كان عندي دينار، فبعته بعشرة دراهم، فناجيت النبي صلى الله عليه وآله، فكنت كلما ناجيت النبي صلى الله عليه وآله، قدمت بين يدي نجواي درهماً، ثم نسخت، فلم يعمل بها أحد؛ فنزلت: ﴿أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾^(٢).

قال الحاكم: هذا حديث صحيح على شرط الشيخين ولم يخرجاه، ووافقه الذهبي^(٣).

قلت: والحديث نص ظاهر في المطلوب.

الطريق الثاني: علي بن علقمة الأنباري عن علي عليه السلام

أخرج الترمذي (٢٧٩) قال: حدثنا سفيان بن وكيع، أخبرنا يحيى بن آدم، أخبرنا عبيد الله الأشجعي، عن سفيان الثوري، عن عثمان بن المغيرة الثقفي، عن سالم بن أبي

(١) المجادلة: ١٢-١٣.

(٢) المجادلة: ١٢-١٣.

(٣) مستدرک الحاكم وتلخيصه ٢: ٤٨٢.

الجعد، عن علي بن علقمة الأنباري، عن علي بن أبي طالب قال: « لما نزلت: ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ... ﴾ قال لي النبي: ما ترى دينار؟! قلت: لا يطيقونه، قال: فنصف دينار؟! قلت: لا يطيقونه. قال: فكم؟! قلت: شعيرة. قال: إنك لزهيد. قال علي: فنزلت: ﴿ أَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ... ﴾. قال (=علي): فبي خفف الله عن هذه الأمة ».

قال الترمذي: هذا حديث حسن غريب، إننا نعرفه من هذا الوجه، ومعنى قوله: « شعيرة » يعني وزن شعيرة من ذهب^(١) اهـ.

الطريق الثالث: مجاهد عن عليّ عليه السلام

أخرج ابن أبي شيبة قال: حدثنا عبد الله بن إدريس، عن، ليث، عن مجاهد قال: قال علي: « إنّه لم يعمل بها أحد قبلي، ولا يعمل بها أحد بعدي، كان لي دينار فبعته بعشرة دراهم، فكنت إذا ناجيت رسول الله صلى الله عليه وسلم تصدقت بدرهم حتى نفدت، ثم تلا هذه الآية: ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ... ﴾^(٢).

وأخرجه أبو عبيد، ابن سلام، قال: حدثنا عبد الله بن إدريس به مثله^(٣).

قلت: رجاله ثقات، في حفظ بعضهم كلام.

الطريق الرابع: مرسل مجاهد

قال ابن كثير: وقال معمر، عن قتادة: ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ... ﴾ إنها منسوخة: ما كانت إلا ساعة من نهار. وهكذا روى عبد

(١) سنن الترمذي ٥ : ٤٠٦ . أحمد شاكر.

قال الرازي (في تفسيره ٢٩ : ٤٩٦) في معنى زهيد : إنك قليل المال، فقدرت على حسب حالك. قلت : يرده أن المولى علياً عليه السلام تصدق بدينار، والصحيح : هو أن القوم لا يطيقون ذلك .

(٢) مصنف ابن أبي شيبة ٦ : ٣٣٧ . كمال يوسف الحوت .

(٣) الناسخ والمنسوخ لابن سلام : ٢٥٩ . رقم : ٤٧٢ . مكتبة الرشد الرياض . ت : محمد المديفر .

الرزاق: أخبرنا معمر، عن أيوب، عن مجاهد، قال علي: «ما عمل بها أحدٌ غيري حتى نسخت» وأحسبه قال: وما كانت إلا ساعة^(١).

قلت: يقصد ابن كثير ما أخرجه (عبد الرزاق ٢١١هـ) في تفسيره عن معمر، عن أيوب، عن مجاهد، قال علي: ... مثله^(٢).

قلت: رجاله ثقات، على شرط الشيخين.

كما قد أخرج عبد الرزاق، عن ابن عيينة (الإمام، ثقة فوق الوصف خ م)، عن سليمان الأحمول (بن عبد الله ثقة ثقة خ م)، عن مجاهد (بن جبر تلميذ ابن عباس، الإمام المفسر ثقة فوق الوصف خ م) في قوله تعالى: ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ﴾ قال: أمروا ألا يناجي أحد النبي حتى يتصدق بين يدي ذلك، فكان أول من تصدق علي بن أبي طالب؛ فناجاه ولم يناجه أحد غيره، ثم نزلت الرخصة: ﴿ أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ... ﴾^(٣).

قلت: رجاله ثقات رجال الشيخين، ولا يضر الإرسال، لثبوت سماع مجاهد خصوص هذا عن علي عليه السلام بواسطة ابن أبي ليل، كما في طريق الحاكم وغيره.

وأخرج الطبري (٣١٠هـ) قال: حدثني موسى بن عبد الرحمن المسروقي، قال: ثنا أبو أسامة، عن شبل بن عباد، عن ابن أبي نجيح، عن مجاهد، في قوله: ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ﴾ قال: نهوا عن مناجاة النبي حتى يتصدقوا، فلم يناجه إلا علي بن أبي طالب رضي الله عنه، قدم ديناراً صدقة تصدق به، ثم أنزلت الرخصة^(٤).

(١) تفسير ابن كثير ٨ : ٥١ . دار طيبة، ت : سامي سلامة .

(٢) تفسير عبد الرزاق (ت: محمود عبدة) ٣ : ٢٩٣ ، رقم : ٣١٧٧ . العلمية ، بيروت .

(٣) تفسير عبد الرزاق (ت: محمود عبدة) ٣ : ٢٩٣ ، رقم : ٣١٧٦ . العلمية ، بيروت .

(٤) تفسير الطبري ٢٣ : ٢٤٩ . الرسالة، أحمد محمد شاكر .

قلت: ورجاله ثقات . ومّن صحح آحاد هذه الآثار وحسنها، الألوسي في روح البيان^(١) .

الطريق الخامس : مرسل الكلبي وفتادة

وأخرج عبد الرزاق، عن معمر، عن الكلبي وفتادة، في قوله تعالى: ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا... ﴾ منسوخة قالوا: ما كانت إلا ساعة من نهار^(٢) .
قلت: رجاله ثقات على شرط الشيخين كذلك .

الطريق السادس: مرسل ابن جريج

وأخرج أبو عبيد (=القاسم بن سلام ٢٢٤) قال: حدثنا حجاج، عن ابن جريج في هذه الآية قال: نهوا عن مناجاة النبي حتى يتصدقوا، فلم يناجه أحد إلا علي بن أبي طالب رضي الله عنه، فقدم ديناراً تصدّق به، ثم أنزلت الرخصة فقال: ﴿ أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ ﴾ يقول: أشق عليكم تقديم الصدقة؟! قال: فوضعت عنهم، وأمروا بمناجاة رسول الله صلى الله عليه بغير صدقة^(٣) .
أقول: رجاله ثقات على شرط الشيخين .

(١) تفسير الألوسي ١٤ : ٢٢٥ .

(٢) تفسير عبد الرزاق(ت: محمود محمد عبده) ٣: ٢٩٥، رقم: ٣١٨٧. دالر الكتب العلمية، بيروت.

(٣) تفسير مجاهد(ت: أبو النيل، محمد عبد السلام): ٦٥١. دار الفكر الإسلامي الحديثة، مصر .

فقه آية النجوى !!

قال السخاوي (٩٠٢هـ): فإن قيل: أي فائدة بالأمر بهذه الصدقة ونسخها قبل العمل بها؟! .

قلت: تعريف العباد برحمة الله لهم، وإظهار المنّة عليهم؛ وتمييزاً لولي من أوليائه بفضلهم، لم يجعلها لغيره، وهو عليّ عليه السلام .

قال عبد الله بن عمر: رضي الله عنهما: كانت لعلي ثلاث، لو كانت لي واحدة منهن كانت أحب إليّ من حمر النعم، تزوجه فاطمة رضي الله عنها، وإعطائه الراية يوم خيبر، وآية النجوى^(١) . اهـ. كلام السخاوي بحروفه .

وقال الإمام النيسابوري (٨٥٠هـ) في ردّ النواصب: هذا الكلام لا يخلو عن تعصب ما، ومن أين يلزمنا أن نثبت مفضولية عليّ رضي الله عنه في كل خصلة، ولم لا يجوز أن تحصل له فضيلة لم توجد لغيره من أكابر الصحابة؟! .

فقد روي عن ابن عمر قال: كان لعلي رضي الله عنه ثلاث، لو كانت لي واحدة منهن كانت أحب إليّ من حمر النعم: تزويجه فاطمة رضي الله عنها، وإعطاؤه الراية يوم خيبر، وآية النجوى .

وهل يقول منصف إنّ مناجاة النبي صلى الله عليه وسلم نقيصة؟! .

على أنّه لم يرد في الآية نهى عن المناجاة، وإنّما ورد تقديم الصدقة على المناجاة، فمن عمل بالآية حصل له الفضيلة^(٢) .

(١) جمال القراء (السخاوي) ٢ : ٨٥٩ . الكتب الثقافية، بيروت . ت : عبد الحق القاضي .

(٢) تفسير النيسابوري ٦ : ٢٧٥ . دار الكتب العلمية، ت : زكريا عميرات .

كَلِّ الصَّحَابَةَ عَصُوا الأَمْرَ إِلاَّ عَلِيًّا

الوجه أن: ﴿قَدِّمُوا﴾ نصّ في وجوب الصدقة عند النجوى، عصاه أغنياء الصحابة ..

قال الخازن (٥٧٤١هـ) : فإن قلت: في هذه الآية منقبة عظيمة لعلي بن أبي طالب رضي الله عنه؛ إذ لم يعمل بها أحد غيره!! .

قلت: هو كما قلت، وليس فيها طعن على غيره من الصحابة؛ ووجه ذلك أن الوقت لم يتسع ليعملوا بهذه الآية...^(١) .

قلت: في التزام هذا، تكذيب لقول الله تعالى: ﴿أَشْفَقْتُمْ﴾ أي بخلتم، وهو طعن صريح من الله تعالى بالصحابة؛ يدلّ عليه ..

قال الإمام البغوي (٥١٠هـ) : ﴿أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا﴾ قال ابن عباس: أبخلتم؟! . والمعنى: أخفتم العيلة والفاقة إن قدمتم ﴿يَبْنَ يَدَيَّ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ﴾ فإذا لم تفعلوا ما أمرتم به وتاب الله عليكم، تجاوز عنكم، ولم يعاقبكم بترك الصدقة^(٢) .

قال الطبري في معنى الإشفاق في الآية: وأصل الإشفاق في كلام العرب: الخوف والحذر، ومعناه في هذا الموضع: أخشيتم بتقديم الصدقة الفاقة والفقر^(٣) .

قال الإمام البيضاوي (٦٨٥هـ): أخفتم الفقر من تقديم الصدقة، أو أخفتم التقديم لما يعدكم الشيطان عليه من الفقر...، ﴿فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ﴾ بأن رخص لكم أن لا تفعلوه؛ وفيه إشعار بأن إشفاقهم ذنب، تجاوز الله عنه^(٤) .

(١) تفسير الخازن ٤ : ٢٦٣ . دار الكتب العلمية، بيروت، محمد علي شاهين .

(٢) تفسير البغوي ٥ : ٤٨ . دار احياء التراث، بيروت، عبد الرزاق مهدي .

(٣) تفسير الطبري ٢٣ : ٢٦٢ . الرسالة، أحمد محمد شاكر .

(٤) تفسير البيضاوي ٥ : ١٩٥ . دار احياء التراث، بيروت .

وقال الرازي (٦٠٦ هـ): والمعنى أخفتم تقديم الصدقات لما فيه من إنفاق المال، فإذا لم تفعلوا ما أمرتم به وتاب الله عليكم ورخص لكم في أن لا تفعلوه، فلا تفرطوا في الصلاة...^(١).

وقال القرطبي (٦٧١ هـ): قال ابن عباس: ﴿أَشْفَقْتُمْ﴾ أي أبخلتم بالصدقة، وقيل: خفتم، والإشفاق الخوف من المكروه؛ أي خفتم وبخلتم بالصدقة وشق عليكم^(٢).

وقال النسفي (٧١٠ هـ): ﴿أَشْفَقْتُمْ...﴾ أخفتم تقديم الصدقات؛ لما فيه من الإنفاق الذي تكرهونه^(٣).

قال ابن حجر في الفتح: وقوله تعالى: ﴿فَقَدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ﴾ أخرج الترمذي عن علي أنها منسوخة.

وأخرج سفيان بن عيينة في جامعه عن عاصم الأحول قال لما نزلت كان لا ينجي النبي أحد إلا تصدق فكان أول من ناجاه علي بن أبي طالب فتصدق بدينار ونزلت الرخصة ﴿فَإِذَا لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ﴾ الآية وهذا مرسل رجاله ثقات، وجاء مرفوعاً على غير هذا السياق عن علي أخرجه الترمذي وابن حبان وصححه وابن مردويه من طريق علي بن علقمة عنه قال: لما نزلت هذه الآية قال لي رسول الله: «ما تقول دينار» قلت: لا يطيقونه. قال: «في نصف دينار» قلت: لا يطيقونه. قال: «فكم» قلت: شعيرة قال: «إنك لزهيد» فنزلت ﴿أَشْفَقْتُمْ...﴾ قال علي: فبي خفف عن هذه الأمة.

وأخرج ابن مردويه من حديث سعد بن أبي وقاص له شاهداً^(٤).

(١) تفسير الرازي ٢٩: ٤٩٥. دار إحياء التراث، بيروت.

(٢) تفسير القرطبي ١٧: ٣٠٣. دار الكتب المصرية، القاهرة، ت: البردوني، وأطفيش.

(٣) تفسير النسفي ٣: ٤١٥. دار الكلم الطيب، بيروت.

(٤) فتح الباري ١١: ٨١. دار المعرفة، بيروت.

قلت: نخلص من ذلك إلى عدّة أشياء:

الأوّل: آية النجوى دليل قطعي الدلالة على إيمان المولى عليه السلام الأكمل في هذه الأمة..

الثاني: من نوادر بعث النبوات، وشرائع الرسالات أن يجمع الله تعالى بين الناسخ والمنسوخ خلال ساعة من نهار، أو يوم، فلقد قضى ربنا سبحانه ألاّ يعمل به إلاّ فرد واحد من البشر!!!

فلا مناص إلاّ القول بالاصطفاء والاجتباء والعصمة.

الثالث: عصيان كلّ الأمة وبخل عامّة الصحابة؛ لقول الله تعالى: ﴿أأسفقتم﴾ ونستثني نائي الدار، ومن لا يملك مالاً..؛ وأياً كان فبعلّي عليه السلام خفف الله تعالى عن هذه الأمة..؛ قال عليه السلام: «بي خفف الله عن هذه الأمة».

الرابع: كذب مزعومة أنّ الرسالة شيّدت بهال أبي بكر الثري؛ فأبو بكر ومن كان على شاكلته من الصحابة الأثرياء،؟!.. أسفقوا (=بخلوا) بصريح القرآن.

الخامس: اتضح أنّ لذة المال عند الصحابة أكبر من لذة مناجاة الرسول صلّى الله عليه وآله؛ فما يقال أنّ الصحابة فدوا رسول الله بالغالي والنفيس، وأتهم لا يقدمون عليه صلى الله عليه وسلم شيئاً، كذب في كذب.

ونستثني مقدسي الصحابة؛ ممّن كان فقيراً معدم المال كأهل الصفة مثلاً؛ فهؤلاء خارجون تخصصاً؛ إذ الخطاب لا يتناولهم من أول الأمر؛ لكون الأمر مشروطاً بوجود المال. وكذا يستثنى منهم نائي الدار ومن لم يصله البيان، فانتبه.

مِنْهَاجُ السُّنَنِ النَّبَوِيَّةِ

فِي نَقْضِ كَلَامِ الشَّيْعَةِ الْفُذَرِيَّةِ

لِابْنِ تَيْمِيَّةَ

أَبِي الْعَبَّاسِ تَمِيمِ الدِّينِ أَحْمَدَ بْنَ عَبْدِ الْحَكِيمِ

تَحْقِيقُ

الدُّكْتُورُ مُحَمَّدُ دَرَّشَادُ سَالِمٌ

الجزء الخامس

والجواب أن يقال: الأمر بالصدقة لم يكن واجبا على المسلمين حتى يكونوا عصاة بتركه، وإنما أمر به من أراد النجوى، واتفق أنه لم يُرد النجوى إذ ذاك إلا على رضى الله عنه، فتصدق لأجل المناجاة^(١).

وهذا كأمره بالهدى لمن تمتع بالعمرة إلى الحج، وأمره بالهدى لمن أحصر، وأمره لمن به أذى من رأسه بفدية من صيام أو صدقة أو نسك. وهذه الآية نزلت في كعب بن عجرة لما مرَّ به النبي صلى الله عليه وسلم وهو ينفخ تحت قدر وهوأم رأسه تؤذيه^(٢). وكأمره لمن كان مريضا أو على سفر بعدة من أيام آخر، وكأمره لمن حنث في يمينه بإطعام عشرة مساكين أو كسوتهم أو تحرير رقبة، وكأمره إذا قاموا إلى الصلاة أن يغسلوا وجوههم وأيديهم إلى المرافق، وكأمره إذا قرأوا القرآن أن يستعيذوا بالله من الشيطان الرجيم، ونظائر هذا متعددة.

فالأمر المعلق بشرط إذا لم يوجد ذلك الشرط إلا في حق واحد لم يؤمر

(١) انظر تأويل هذه الآية في تفسير ابن كثير وفيه: «قال ابن أبي نجيج عن مجاهد قال: نهوا عن مناجاة النبي صلى الله عليه وسلم حتى يتصدقوا، فلم ينجاه إلا على بن أبي طالب، فقم ديناراً صدقة تصدق بها، ثم ناجى النبي صلى الله عليه وسلم، فسأله عن عشر خصال، ثم أنزلت الرخصة... وقال معمر عن قتادة: (إذا ناجيت الرسول فقتلوا بين يدي نجواكم صدقة): إنها منسوخة، ما كانت إلا ساعة من نهار. هكذا روى عبدالرزاق: أخبرنا معمر، عن أيوب، عن مجاهد، قال على: ما عمل بها أحد غيري حتى نسخت، وأحسبه قال: وما كانت إلا ساعة.»

(٢) وهذا كله في آية ١٩٦ من سورة البقرة: (وأتموا الحج والعمرة لله فإن أحصرتم فما استيسر من الهدى ولا تحلقوا رؤوسكم حتى يبلغ الهدى محله فمن كان منكم مريضا أو به أذى من رأسه ففدية من صيام أو صدقة أو نسك... الآية. وانظر تفسيرها في تفسير ابن كثير وغيره، وانظر ما رواه ابن كثير عن البخارى وأحمد في شأن كعب بن عجرة رضى الله عنه.

به غيره . وهكذا آية النجوى ؛ فإنه لم ينج الرسول قبل نسخها إلا على ،
 ولم يكن على من ترك النجوى حرج . فمثل هذا العمل ليس من
 خصائص الأئمة ، ولا من خصائص على رضي الله عنه ، ولا يُقال : إن
 غير على ترك النجوى بخلا بالصدقة ، لأن هذا غير معلوم ، فإن المدة لم
 تطل ، وفي تلك المدة القصيرة قد لا يحتاج^(١) الواحد إلى النجوى ، وإن
 قُدِّر أن هذا كان يخص بعض الناس لم يلزم أن يكون أبو بكر وعمر رضي
 الله عنهما من هؤلاء . كيف^(٢) وأبو بكر رضي الله عنه قد^(٣) أنفق ماله كله
 يوم رغب النبي صلى الله عليه وسلم في الصدقة ، وعمر [رضي الله عنه]
 جاء^(٤) بنصف ماله بلا حاجة إلى النجوى . فكيف يبخل أحدهما^(٥)
 بدرهمين أو ثلاثة يقدمها بين يدي نجواه ؟

وقد روى زيد بن أسلم عن أبيه قال سمعت عمر يقول : أمرنا رسول
 الله صلى الله عليه وسلم أن نتصدق ، فوافق ذلك مالا عندي ، فقلت :
 اليوم أسبق أبا بكر إن سبقته يوما ، فجئت بنصف مالي . فقال رسول الله
 صلى الله عليه وسلم : « ما أبقيت لأهلك يا عمر؟ » فقلت : مثله . قال :
 وأتى أبو بكر بكل مال عنده . فقال : « يا أبا بكر ما أبقيت لأهلك؟ » فقال :
 أبقيت لهم الله ورسوله . فقلت : لا أسابقك إلى شيء أبدا^(٦) .

(١) قد لا يحتاج : كذا في (و) . وفي (ب) : لا يحتاج . وفي سائر النسخ : فلا يحتاج .

(٢) ح ، ب : وكيف .

(٣) قد : ساقطة من (ح) ، (ب) .

(٤) ن ، م : وعمر قد جاء .

(٥) أحدهما : كذا في (ب) فقط . وفي سائر النسخ : أحدهم .

(٦) سبق الحديث فيما مضى ٥٢/٢ .